



سر «سینمای اورژانسی» به سنگ خورد!

بنا به گفته کنایه‌ی یکی از وب‌سایت‌های خبری، تعداد افراد مدعی حقوق بشر در هشتادمین جشنواره فیلم ونیز بیشتر از عدد بازیگران و هنرمندان بود. اما برخلاف تبلیغات و پروپاگاندا‌ی شدید رسانه‌های خبری، جشنواره‌ی علیه جشنواره فیلم فجر سال گذشته به دلیل عدم حضور برخی بازیگران آثار شرکت‌کننده اما همین رسانه‌ها درباره همان نوع کاستی در جشنواره ونیز، سیاست سکوت مگر بار گورستانی را در پیش گرفتند!

اشتراک برزیدگان جشنواره و جدول‌های منتقدین
جشنواره فیلم ونیز هشتادم، از معدود دوره‌های این جشنواره و فستیوال‌های مشابه بود که برگزیدگان آن تفاوت چندانی با آرای منتقدان نداشتند و به طور بی‌سابقه‌ای انگار رای هیئت داوران از روی نظرات منتقدان کپی شده بود!

بالاترین فیلم در جدول‌های ارزشیابی و ستاره دادن منتقدان یعنی فیلم «چیزهای فقیر» یورگن لاتیموس شیر طلایی را دریافت نمود، «شیطان وجود ندارد» ریوسوکه‌هاما کوچی که فیلم دوم منتقدان بود، جایزه بزرگ هیئت داوران یعنی در واقع جایزه دوم جشنواره فرمز رفت و مئس میکلسن برای فیلم «سرزمین موعود» هم جایزه ویژه هیئت داوران یعنی جایزه سوم جشنواره را از آن خود نمود.

«هن کاپیتان» متیو گارونه فیلم چهارم جدول منتقدان، شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی که همان جایزه چهارم جشنواره محسوب می‌شود را دریافت کرد. البته ناگفته نماند که فیلم‌های «قاتل» دیوید فینچر و «استاد» برتلی کوپر و «فراری» مایکل مان که در دهه‌های بالای جدول منتقدان بودند، هیچ توفیقی در جشنواره ونیز هشتادم نصیبشان نشد به علاوه چهره‌های معروف دیگر مانند وودی آلن و لوک بسون و رومن پولانسکی و... که حتی صدای هو کردن تماشاگران را در آوردند و بار دیگر نشان دادند که فقط اسم‌ها به ظاهر بزرگ و مهم یک جشنواره را مهم و بزرگ نمی‌گرداند!

حتی سوفیا کوبولا با فیلم «پریسلا» درباره همسر الویس بریسی و ریچارد لینک لیتز با فیلم Hitman و ساندرسن با یک فیلم کوتاه ۴۰ دقیقه‌ای براساس داستان‌های رولد دال به نام «داستان شگفت‌انگیز هنری شوگر» هم علی‌رغم دریافت یک جایزه افتخاری به نام Glory to the Filmmaker هم انتظارات را برآورد نکردند. به این ترتیب، هشتادمین دوره جشنواره فیلم ونیز، علی‌رغم دارا بودن تعداد قابل توجهی از اسامی استاندارد شناخته شده و انتظاراتی که این اسامی ایجاد کرده بودند، نه توانست اهالی فیلم و سینما را راضی کند و نه در عینیت ستارگان بازیگری، دوستداران حاشیه‌های سینما را راضی نمود.

فیلم دیگری که گویا قرار بود از همین «سینمای اورژانسی» در جشنواره فیلم ونیز نمایش داده شود به نام «خورشید طلوع خواهد کرد» ساخته آیت نجفی (آقازاده محمد علی نجفی) گویا درباره بخشی از جریان اغتشاشات سال گذشته جلوی دوربین رفت و بعضی خبرها حاکی از آن بود که در بخشی بسیار حاشیه‌ای از جشنواره ونیز به نام «روزهای موفقی» به نمایش درخواهد آمد!

برای این فیلم نیز در همان رسانه‌های زنجیره‌ای تبلیغات بسیاری شد اما در اخبار مختلف، هیچ خبری از نمایش یا موفقیت آن منتشر نگردید! حتی در صفحه ویژه بخش «روزهای موفقی» در وب سایت رسمی جشنواره ونیز به هیچ عکس یا تصویر و یا خبری از این فیلم دیده نشد، در حالی که اغلب آثار حاضر در بخش یاد شده همراه عکس‌های متعدد از عوامل خود، در این صفحه نمودنای می‌کردند.

آثار بی‌آر و بی‌فلم و سینمای ایران!
حداقل در دو سه سال اخیر، سینمای ایران حضور قابل توجهی و آبرومندی در جشنواره ونیز داشت، سال گذشته فیلم‌های «جنگ جهانی سوم» و «هی رویا» به طور رسمی و با مجوز ساخت و نمایش از ایران حضور داشتند! فیلم «شب، داهی، دیوار» نیز علی‌رغم دارا نبودن پروانه داخلی، دارای پروانه ساخت بود و توسط هیئت در سازمان سینمایی نیز بازبینی شد و مجوزهای برای نمایش‌های جشنواره‌ای دریافت کرد که در بخش مسابقه جشنواره سال گذشته ونیز حضور یافت، از مجموع فیلم‌های یاد شده، فیلم «جنگ جهانی سوم» در بخش افق‌های جشنواره شرکت داشت و جوایز بهترین فیلم و بهترین بازیگر مرد این بخش را از آن خود نمود.

همچنین در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی (برنده سیمرغ‌های اصلی جشنواره فجر سال ۱۳۹۸) یکی از ۱۸ فیلم بخش مسابقه اصلی این جشنواره بود و توانست جایزه مارچلو ماسترونی برای بازیگر نوظهور را به خود اختصاص دهد.

اما متأسفانه علی‌رغم تولید آثار قوی سینمایی در یکی دو سال اخیر، تحریم سینمای ایران خصوصا از سال گذشته باعث شد، جشنواره‌هایی مانند کن و برلین و ونیز فیلمسازان و فیلم‌های برجسته این سینما محروم شده و ناگزیر به آثار پیش یا افتاده و بی‌آبروی همان «سینمای اورژانسی» چنگ ززند که قرب به اتفاق یکی از القای سینما هم تپه بوده و براساس ارزش‌های برخی جشنواره‌ها، با چند تا شعر و شعار و فحش و بد و برهه سیاسی می‌خواستند سر و ته قضیه را به هم آورده و

گویا هنوز برخی جشنواره‌ها لاقبل در ونیز به هر خزعبالاتی تحت عنوان «فیلم و سینما» جایزه نمی‌دهند. گویا هنوز برخی جشنواره‌های بین‌المللی برای اعتبار خود هم که شده، اراجیفی که تحت عنوان فیلم به جشنواره‌شان آورده‌اند را چندان جدی نمی‌گیرند. انگار دیگر کلکسیون چند تا فحش و فضاحت و شعر و شعار در برخی جشنواره‌ها لاقل آنها که ادعای اعتبار دارند، برای دریافت جایزه و تجلیل و تحسین کارکرد خود را از دست داده است!

به نظر می‌آید جشنواره ونیز امسال نتوانست مانند فستیوال لوکارنو که همه اعتبار و حیثیت خود را پای اثر پیش یا افتاده و سخیفی همچون «منطقه بحرانی» علی احمدزاده له و لوورده کرد، به صرف اینکه اثری بدون مجوز از ایران آمده و چهار تا فحش هم چاشنی آن کرده، از حیثیت هشتاد ساله خود هزینه نماید.

ضمن اینکه مدیر قسم خورده ضدایرانی مانند کارلو چتریان لوکارنو هم بالای سر جشنواره ونیز نبود و در هیئت داورانش نیز به جای آرشویست همچسن گرا متوق‌الوورد اعلام گردید) و همچنین آثار فیلمسازی همچون نیکیتا میخالکوف و آندری کونچالفسکی و... و ه فیلمساز و کارگردان در بخش افق‌های جشنواره حضور داشتند.

از تحریم سینمای ایران، آبی گرم شد!
بعد از وقایع پاییز سال گذشته و تحریم سینمای ایران از سوی برخی جشنواره‌های وابسته، جشنواره ونیز هشتادم نیز با این رویکرد کاملا سیاسی و ایدئولوژیک، انتخاب هر نوع فیلم از سینمای رسمی ایران را تحریم نمود! یعنی برخلاف همه مسالک و معیارهایی که سالهاست سنگش را به سینه زده و یقه خود را برایش می‌دراند، که مثلا هنر از سیاست جداست و اینکه یک اثر هنری را بایستی با الگوهای هنری ارزیابی نمود و مدام با چماق سیاست و ایدئولوژی ایران را متهم می‌کردند که گویی نگرش هنری به آثار سینمایی نداشتند و صرفا با ملاک سیاسی با آنها برخورد می‌نماید، اینک خودشان هر گونه الگو و معیار هنری را به کناری نهاده و صرف نظر از هر گونه ارزش هنری و سینمایی، هر فیلمی که به طور رسمی در ایران تولید شده باشد را ممنوع‌الوورد اعلام کرده و به آثار روی آورده‌اند که یک خبرنگار سینمایی خارج‌نشین، آن را «سینمای اورژانسی» نام گذارد!

همان رویکردی که چندین سال است درباره آثار هنری روسیه اعمال نموده و از پذیرش هر نوع اثر هنری ام از سینمایی و موسیقی و... با جسمی و... در جشنواره‌های خود پرهیز نموده‌اند! این موضع‌گیری ازجانبی و عقب افتاده علی‌رغم همه ادعاهای گراف غرب در برخورد با آثار هنری، موجب شد با جلوگیری از شرکت روسیه در بسیاری از رویدادهای هنری و فرهنگی حتی



نگاهی به فیلم «آنجل» جاسوسی خوب، جاسوسی بد

عالم معنا را با مفاهیم خوب و بدش می‌شناسیم و برای بسیاری از وارگان، مفاهیم و رفتارها حسن یا قبح ذاتی قائل هستیم. اما در دوره مدرن شاهد پدیده‌های نوظهور خاکستری هستیم. در زمانه ما هیچ‌کس نه خیلی سفید است و نه خیلی سیاه، در زمانه ما هیچ‌کس نه خیلی خوب و نه خیلی بد، حتی قهرمانان و الگوهای ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند. عصر مدرن متفخر است که از مفهوم الگو و قهرمان شخصیت‌زدایی کرده و دوگانه‌ها یا چندگانه‌ها را در قالب پلورالیسم نوین ارائه کرده است.

الگوسازی غربی و هالیوودی مثل همیشه در فیلم «آنجل» تولید مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی محصول ۲۰۱۸ نیز به دنبال آن است که یک شخصیت خاکستری با نواقص زیاد شخصیتی از جمله قماربازی، ارتباطات نامشروع و تحصیلات علمی ضعیف را به عنوان یک نجات‌دهنده، الهام‌بخش و قهرمان محبوب معرفی کند! در فیلم «آنجل» یا همان «فرشته» که از نام اثر هم مشخص است، به خوبی می‌توان دوگانه جاسوس خوب و بد را مشاهده کرد. تعریف و القای این دوگانه برای سازندگان «آنجل» خیلی ساده است، جاسوس خوب کسی است که با نفع ما باشد و جاسوس بد کسی است که علیه ما کاری انجام دهد. در فیلم به روشنی از شخص «عمر» دفاع تمام قدی صورت می‌گیرد تا نشان دهد که اساسا یک جاسوس در چه شرایط سخت و طاقت‌فرسای حضور دارد تا جایی که به بیننده القا کند که بپذیرد که اگر هر کس دیگری نیز در جایگاه این شخصیت بود قطعا

این رفتارها و کنش‌ها را انجام می‌داد. از طرفی دیگر آنچه «عمر» در واقعیت رقم می‌زند بیشتر به نفع رژیم صهیونیستی است و کمتر در جهت منافع جمهوری مصر است ولی فیلم به دنبال ساخت یک قهرمان دوطرفه و دوجانبه است.

نکته قابل تأمل دیگر عدم پرداخت مناسب به شخصیت جمال عبدالناصر، مردم ملی‌گرای مصر و ارتش بسیار وفادار مصری است که به شدت سیاه و تاریک معرفی می‌شوند. به گونه‌ای که هیچ اشاره‌ای به آرمان مقدس مبارزه علیه ظلم و اجماع نسبتا زیاد اعراب علیه رژیم صهیونیستی نمی‌شود و تنها نگاه را یک درگیری ساده از نوع ایدئولوژیک میان مصر و رژیم صهیونیستی معرفی می‌کند. از آنجا که فیلم به دنبال آن است که جاسوسی، خیانت و ضعف شخصیتی را برای رسیدن به هدفی بزرگ‌تر که صلح و جلوگیری از تلفات انسانی بیشتر در جنگ معرفی می‌شود، توجیه کند. در واقع به سادگی هدف، وسیله را توجیه می‌کند.

در پایان می‌توان ایدئ کلی و حاکم بر فیلم را شکست رادیکالیسم و تندروی و پیروزی مذاکره و صلح دانست. به تعبیری دیگر چیزی که به روشنی مطرح می‌شود حرکت به سمت کسب نتیجه برد- برد از بازی سیاست جهانی است. با همین مبنا شخصیت عمر به عنوان قهرمان ملی هر دو کشور معرفی می‌شود و سعی در آن است که گفته شود می‌توان به صورت عملی و قابل دستیابی به یک نتیجه مطلوب برای همه بازیگران عرصه بین‌الملل رسید. در حقیقت بار دیگر هنرمندی رسانه موجب می‌شود تا از سقوط یک جاسوس، پرده‌ای باشکوه بسازد و جاسوسی که حتی در جاسوسی خود شکست خورده و تبدیل به یک جاسوس دوطرفه و واداده شده است را به عنوان یک منجی برای جهان امروز معرفی کند.

رسوایی و تزویر شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب

فداحاخای خود هستند. افرادی که در شبکه‌های تلویزیونی ضدانقلاب و ضدایرانی اینترنت‌شال و تلویزیون BBC فارسی کار می‌کنند. زن را کالایی برای تأمین امیال جنسی خود می‌دانند بنابراین چگونگی می‌توانند مدافع حقوق زن باشند؟ مدیرانی که به مجریسان و گوینده‌های زن تعرض می‌کنند چگونه می‌توانند شعار آزادی زن و دفاع از حقوق زنان بدهند؟ بنابراین با شناخت این افراد فاسد در شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان معاند و ضد بشر می‌توان بر د که این شبکه‌ها با اخبار ساختگی و دروغ و شعارهای تو خالی به دنبال فریب جوانان، زنان و دختران سوادلوح کشور هستند و هزراگامی به بهانه‌های واهی و پوچ جوانان و زنان و دختران را تحریک و وادار می‌کنند که به تک خیابان بایند در صورتی که خودشان دنبال کارهای فساد اخلاقی و سوءاستفاده از زنان شاغل در شبکه‌های تلویزیونی خود هستند!



طبل رسوایی اخلاقی و سوءاستفاده جنسی از مجریان زن و این بار از شبکه ضدایرانی اینترنت‌شال به صدا درآمد؛ یکی از مجریان زن این شبکه تلویزیونی «سینما ثابت» به‌خاطر فساد اخلاقی و فضای سمومی که از سوی مدیران این شبکه حاکم است و بنا به گفته خودش به‌منظور حفظ کرامت انسان‌اش مجبور به استعفا و خروج از شبکه تلویزیونی ضدایرانی اینترنت‌شال شد. البته این اتفاق تازگی ندارد و پیش از این نیز شاهد استفاده جنسی از مجریان زن و گوینده‌های زن توسط مدیران شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان BBC فارسی، من و تو، صدای آمریکا و همین شبکه صهیونیستی اینترنت‌شال بودیم. در گذشته تعدادی از مجریان زن تلویزیون در شبکه‌های تلویزیونی ضدانقلاب و معاند بارها بارها مورد تعرض جنسی برخی از مجریان مرد و مدیران این شبکه‌ها قرار گرفتند و با توجه به این امر برخی از آنها هنوز در تلویزیون BBC فارسی و شبکه ضدایرانی اینترنت‌شال مشغول کار هستند، اما موضوع جالب و قابل تأمل در این بحث ادعای شبکه تلویزیونی ضدانقلاب و ضدایرانی اینترنت‌شال در جریان فتنه پاییز سال گذشته در ایران است که با شعار «زن، زندگی، آزادی» موجب تحریک جامعه شد و برخی از فریب‌خورده‌گان داخل کشور را به میدان آورد و همین امر باعث شد که متأسفانه عده قبلی از جوانان، زنان و دختران کشورمان هم فریب این شعار شبکه تلویزیونی معاند اینترنت‌شال و تلویزیون BBC فارسی را خوردند و به تک خیابان‌ها آمدند اما بعد که متوجه توطئه و دسیسه‌های این شبکه‌های ضدایرانی و ضدانقلاب شدند اظهار پشیمانی کردند، هر حال این همه فساد اخلاقی و روابط نامشروع زن و مرد در این شبکه‌های فارسی زبان ضدانقلاب نشان می‌دهد که گردانندگان این شبکه‌ها افرادی فاسد و ضدبشر هستند و نه تنها از سواد رسانه‌ای برخوردار نیستند بلکه بویی از انسانیت هم نبرده‌اند و برای لذت و سرگرمی و تأمین خواسته‌های جنسی خود این شبکه‌ها را برپا کرده‌اند و در واقع این شبکه‌ها لانه‌های فساد و به نوعی مراکز فساد و فحشا به‌شمار می‌روند. نکته قابل تأمل را می‌توان از آشنایی برخی از مجریان و گوینده‌های زن این شبکه‌های تلویزیونی به وضوح دریافت کرد که برخی از مجریسان معروف این شبکه‌ها مثل فرناز قاضی‌زاده، پونه قدوسی، نایجه غلامی، نفیسه کوهنورد، پریسا سرخیز، طناز خامه، ساز

با نگاهی به سریال «رحیل» نوای شاعر آیینی در رسانه ملی

هم وجه آیینی سریال را جذاب می‌سازد و هم مخاطب را با این ادیب آشنا می‌کند. کم نبودند مخاطبانی که با دیدن «کوچک جنگلی» علاقه‌مند شدند که درباره خالوقربان، دکتر حشمت و... بیشتر بداندن و همین باعث رشد مطالعات تاریخی شد کما اینکه هنوز و سالها بعد از تولید سریال «هزارداستان»، کم نیستند علاقه‌مندانی که به دنبال یافتن ردپای خان مظفر و مفتش شش انگشتی در تاریخ معاصر مدن و منابع مختلف را مورد مطالعه قرار می‌دهند تا بفهمند چقدر از متن علی حاتمی، واقعی و چقدر خیالی است.

در سریال رحیل نیز گذر بیجا و به اندازه از کنار عمان سامانی باعث می‌شود مخاطبان کنجکاو گردند درباره این شخصیت بیشتر بداندن و این، خود مطالعات درباره‌اش را افزایش می‌دهد. نگاه ویژه به ادبیات آیینی ایران زمین و پدیدآوردن‌نگاشتن هنوز و حالا حالا‌ها جای کار دارد. نه فقط به مانند سریال «رحیل» می‌توان پیوند دراماتیکی میان اشعار آیینی و بار روایی داستان ایجاد کرد بلکه می‌توان سراسرآیندگان آثار آیینی را به صورت شخصیت‌های دارای هویت وارد سریال‌ها کرد و بدان‌ها پرداخت. رحیل برای معرفی عمان سامانی در یک اثر تصویری، آغاز خوبی است و حالا بد نیست سریال‌سازان دیگری ببینند و زندگی امثال عمان سامانی و معتمد کاشانی و... را به درام‌های دیدنی بدل کنند.



ای کاش دیگر تهیه‌کنندگان فعال در سریال‌سازی و به خصوص ۱۰۰ قسمتی‌سازان پرکار، مانند سازندگان رحیل که با سابقه بالا در تولید سریال‌های مطلوب نخله‌های مختلف باز تلاش کرده‌اند اثری تازه و متفاوت و این بار با ادای دین به ادبیات آیینی خلق کنند، به ادبیات ایران و آثار غنی آن پیش توجه کنند تا با تکیه به این گنجینه، هم بتوانند مجموعه‌های جذاب و پر مخاطب بسازند و هم در زنده نگه داشتن و ترویج آثار فرهنگی و ادبی ایران بزرگ شریک باشند. چه اشکالی دارد در هر سریال شرایطی برای معرفی یکی از مفاخر فرهنگی ایران فراهم گردد؟ حالا که تب تاریخی‌سازی هم در تلویزیون و به در شبکه خانگی اوج گرفته کاری که سراسر «رحیل» یا عمان سامانی کرده می‌تواند الگوی مناسبی باشد برای دیگر آثار تاریخی که به غیر از صحنه‌آرایی و طراحی لباس رنگ و وارنگ، فکری هم کنند برای معرفی مفاخر فرهنگی- آیینی کشورمان در خلال روایت داستانی خویش. چه خوب است که مثلا درباره مستحکم کاشانی و اشعار آیینی‌اش یک مجموعه جذاب تلویزیونی تولید گردد! یا درباره رحیم مودن‌زاده اردبیلی و دیگران. قطعا در سایه معرفی چنین مفاخری از طریق زبان هنرهای نمایشی فراگیر است که خواهیم توانست نسل نور را با آنها آشنا کنیم.

مذنی صدق‌نواز

موفق‌ترین فیلم‌ها و سریال‌های مذهبی ایرانی آنها بوده‌اند که نه به طور مستقیم بلکه با واسطه به سمت سوزه رفته‌اند. چه «سفر» فریبرز صالح که متمرکز بر زندگی قیس‌بن مسهر بود، چه «روز واقعه» شهرام اسدی که زندگی شبلی (عبدالله) تازه مسلمان را روایت می‌کرد، چه سریال «مام علی(ع)» که از طریق مالک‌اشتر، ضرابهنگ را بالا برد و چه سریال «مختارنامه» داوود میرباقری که با مرور زندگی خونخواران امام حسین(ع) نقتی زده بود به کرپلا و... همه و همه آثاری بودند که به طور غیرمستقیم سوزده‌های مذهبی را دستمایه خلق درام کردند و اتفاقا توانستند علاوه‌بر منتشر عین، توجه مخاطبان کم‌علاقه به این گونه موضوعات را نیز به خود جلب کنند.

سریال تاریخی «رحیل» در امتداد همین نگاه و با روایت زندگی زنان و مردانی در جامعه در حال گذار از قاجار به پهلوی، پیزنکه‌هایی از نقش آیین‌های مذهبی در زندگی ایرانیان را به نمایش می‌گذارد. سیاست‌سازندگان رحیل آن بوده که داستان اصلی خود را به گونه‌ای مطرح‌بزی کنند که منطق پرداخت‌های آیینی قصه کاملا نوظه‌پذیر باشد تا از سریال بیرون نزنند. رحیل در جاهایی که درام به خوبی به معرفی عمان سامانی شاعر آیینی قرن سیزدهم و چهاردهم دست می‌زند؛ شاعر بزرگ عارف مسلک ایران که به اشعار مثنوی «گنجینه‌الاسرار» حرکت امام حسین(ع) و واقعه عاشورا را با زبانی عرفانی بیان کرده این مجموعه بسیار زیبا و تأثیرگذار سروده شده...

در تعداد معدودی از برنامه‌های فرهنگی و ادبی تلویزیون درباره عمان سامانی صحبت شده و اشعارش را نیز قرائت کرده‌اند، اما به یاد نمی‌آوریم در مجموعه‌ای داستانی، با این صراحت اشعار او را خوانده و مورد توجه قرار داده باشند و حتی در تیزترز سریال نیز، سروده او شنیده شود. اشعار زیبا، قوی و جانسوزی توسط شاعران ایرانی درباره وقایع عاشورا و شهادت امام حسین(ع)، خاندان و یارانش سروده شده که قابل شمارش نیست. کتاب‌های نوحه بسیاری نیز وجود دارد که شاعران گذشته و امروز سروده‌اند. بیشتر مردم وقتی به واقعه عاشورا فکر می‌کنند اول ترکیبند معروف و بی‌بدلی محتشم کاشانی را مطلع: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟» که با یاد می‌آورند، زیرا هزاران بار در مناسبت‌ها و برنامه‌های مختلف تکرار شده و می‌شود، هرگز نیز کهنه نشده و نمی‌شود. اشعار این دوازده بند محتشم در لوح‌های مختلف ماه محرم که با آن دیوارهای مساجد و تکایا را می‌پوشانند نوشته شده و مردم با آن مانوس هستند.

جنس اشعار عمان سامانی در مثنوی «گنجینه‌الاسرار» با دوازده بند محتشم کاشانی فرق دارد. مهم‌ترین تفاوت این است که اشعار محتشم در قالب ترکیببند و شعرهای عمان در قالب مثنوی سروده شده‌اند.

عمان سامانی واقعه عاشورا و شهادت و اسارت امام حسین(ع) و یاران و خاندانش را با زبانی عارفانه، انجمن‌گیر و تأثیرگذار سروده که هر صاحب‌دلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هوشمندی رامین عباسی‌زاده طراح و تهیه‌کننده سریال «رحیل» که در تمرکز بر کهنه نشدنی و اتفاقا از منظر زمانی نیز با رویدادهای سریال همپوشانی نسبی دارد با یک تیر دو نشان زدن است و